

<span><b>روزنه</b></span>
---------------------------

**سخنگوی دولت:**

**وضعیت نه قرمز است نه عادی**

● **شرق**؛ سخنگوی دولت روز گذشته در گفت‌وگویی اینترنتی با تعدادی از خبرنگاران، گفت: «تلاش همه مدیران این است که با غربالگری وزارت بهداشت، از ورود افراد بیمار به کارگاه‌ها جلوگیری شود؛ مناسبات باید به گونه‌ای باشد که بتوانیم تولید را با کمترین درگیری افراد داشته باشیم».
علی ربیعی ادامه داد: «دولت هم بابت کارگران غیررسمی نگران است. فکر می‌کنیم بخشی از کارگران غیررسمی در بازگشایی اول مشاغل کم‌ریسک بر خواهند گشت و از بی‌کاران کاسته می‌شود. وزارت کار و رفاه اجتماعی مسئول شده تا این دسته از افراد را در زیر چتر قرار ده. سه میلیون نفری که شناسایی کردیم افرادی بودند که در هیچ بانکی حضور نداشتند. دلشوره و دل‌نگرانی ما از آن دسته از افرادی است که در مشاغل رسمی نبودند و شغل‌شان را از دست دادند؛ ما به حمایت‌مان ادامه می‌دهیم.»
او افزود: «آثار میان‌مدت و درازمدت تعطیلی مشاغل بر اثر کرونا را در نظر گرفتیم. در سناریو جاری که داریم دنبال می‌کنیم تاکنون نزدیک به ۸۰۰ هزار نفر به بیمه‌های بی‌کاری مراجعه کردند. مشاغل پربیسک همچنان تعطیل می‌ماند. مشاغل نیمه‌ریسک به سمت بازگشایی می‌روند و مشاغل کم‌ریسک هم اکنون باز هستند».
ربیعی با اشاره به تلاش سازمان برنامه و بودجه برای برنامه‌ریزی در دوران کرونا، گفت: «تمام دستگاه‌های مهم و سایر دستگاه‌ها مثل بسیج مستضعفان که اعلام کردند برنامه دارند در برنامه سازمان برنامه و بودجه با حضور نمایندگان گروه قضائیه جلسه دارند. قطعاً به پاسخ‌گویی درسراه وضعیت تولید، اشتغال و اقتصاد ادامه می‌دهیم.»
او افزود: «در دولت روزانه گزارشات را دریافت می‌کنیم. بر اساس آخرین گزارشات، از لحاظ تعداد بستری و فوتی‌ها در مرحله مدیریت‌شده‌های هستیم. حتی برخی دوستان تعبیر مدیریت خوب و بسیار خوب را به کار بردند. نسبت به دوران اوج بیماری به نصف رسیدیم. این نکته حائز اهمیت است که هنوز بیماری در کشور وجود دارد. تا موقعی که ویروس در کشور است و دارو کشف نشده باید اقدامات لازم را انجام دهیم. کرونا در مسیر مدیریت‌شده است. هیچ استانی در وضعیت قرمز نیست، ما وضعیت عادی هم نیست چراکه ویروس از بین نرفته است.»ربیعی ادامه داد: «کاهش آمارها وجود دارد اما ویروس از بین نرفته است. استفاده از ماسک، فاصله‌گذاری اجتماعی و رعایت نکات بهداشتی مهم است؛ مردم باید به دولت کمک کنند. کماکان درخواست‌مان این است که برای موارد ضروری بیرون بروند. اگر پروتکل‌ها انجام نشود، حتی تصمیمات سخت‌گیرانه و جرائم هم در نظر گرفته شده است.»

**در زمینه جان مردم شوخی نداریم**

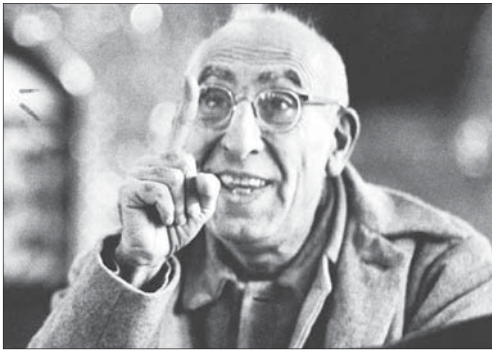
سخنگوی دولت همچنین درباره موضوع دولت درخصوص کارشنکی‌ها از اتهامات مقامات آمریکایی به ایران، گفت: «متأسفانه آمریکایی‌ها کماکان فرافکنی می‌کنند و ما هم می‌دانیم با شرایط سختی که پس از شیوع ویروس کرونا در آمریکا به وجود آمده است، قطعاً دولت آمریکا به‌خصوص رئیس‌جمهوری این کشور برای منحرف‌کردن افکار عمومی از اقدامات ناموفق خود در مبارزه با کووید-۱۹ و همین‌طور فرار از مسئولیت‌های بین‌المللی خود، چاره‌ای جز فرافکنی ندارد.»

ربیعی افزود: «به نظر من، آمریکا به حل مسائل داخلی خود و پاسخ‌دادن به آنها بازگردد. آمریکا به جای اینکه اظهارات غلط و سخیف به این بیماری و اظهاراتی‌که از همان ابتدا انجمن‌های پزشکی و علمی رد می‌کنند و چالش ذهنی ایجاد می‌کند را حل کند، به اتهام‌زنی می‌پردازد. ما به سهم خود در ایران این اعتقاد را داریم که به عالی‌ترین سطح شفافیت در مقابله با بیماری کرونا متعهد بودیم. ما جان شهروندان خود را به خطر نینداختیم.»
ربیعی به آزمایش پاستور او گفت: «روز ۳۰ بهمن که آزمایش پاستور اعلام شد که بیماری کرونا قطعی است، اعلام کردیم و هزینه زیادی برای این اعلام پرداخت شد. بنابراین جان یک ایرانی برای ما مهم بوده است. اگر چالشی در مورد آمار هست، بارها توضیح دادیم و گفتیم ما برای آمار استاندارد ی گذاشتیم و آن این است که وزارت بهداشت و آزمایشگاه‌های ما پاسخ دهند قطعاً ناشی از کرونا بوده است. بنابراین اینکه گاهی می‌بینید آمار بالا می‌رود برای نتایج آزمایش‌هاست که می‌آید. ما آمار خود را هم اعلام کردیم و هراسی هم از مردم خود نداریم و جامعه جهانی را هم به‌روز در جریان آخرین دستاوردهای علمی خود قرار دادیم. خوشحال هستیم که در کیت و ویتال‌تور دستاورد داشتیم و این دستاورد را هم در اختیار همسایگان و هم سازمان بهداشت جهانی می‌قرار دادیم. این می‌تواند به تشریک مساعی به‌اشتراک‌گذاشتن دانش جهانی برای مقابله با کرونا بسیار کمک کند. با توجه به کار خبظ آمریکا در تهدید سازمان بهداشت جهانی، اتهام‌زنی به ایران هم از همین جنس است. ما در زمینه جان مردم بر عهد و پیمانمان با مردم ایستادیم و کوتاه نخواهیم آمد و شوخی نخواهیم داشت.»

## سیاست

به بهانه سالروز تاج‌گذاری رضاشاه

# چرا مصدق مخالف شاه‌شدن رضاخان بود؟



فریدون مجلسی

پژوهشگر تاریخ

در باب وصیت در اسلام بگزراند و در بازگشت در مدرسه‌ای که زمانی او را به شاگردی نپذیرفته بود، یعنی مدرسه سیاسی مشغول تدریس شود. در زمان هرج‌ومرج و هنگامی که سیدضیا مصمم به کودتا شد، مصدق که از مهاجرت خود به فرنگ منصرف شده بود و پس از اعلام مخالفت با قرارداد ناکام عموزه‌اداش، وثوق‌الدوله به ایران بازگشته و به سمت والی فارس جانشین دایی‌اش فرمانفرما شده بود، موضوع کودتای سوم اسفند۱۲۹۹ سیدضیا علیه دولت بی‌اعتبار سپهدار پیش آمد. با اینکه احمدشاه فرمان انتصاب سیدضیا را امضا و اعلان کرد، دو نفر از رجال بانفوذ با اعلام غیرقانونی‌بودن کودتا زیر بار سیدضیا نرفتند. مصدق، والی فارس، نزد دوستان بختیاری خود پناه گرفت و قوام‌السلطنه، والی خراسان، دستگیر و در عشرت‌آباد در تهران زندانی شد. سیدضیا که عموزادگان نرنفوذ او را «مردک جُنُبُر» می‌نامیدند، تعداد بسیاری از رجال پیشین را دستگیر و زندانی کرد تا اصلاحات مورد نظر خود را که در آن سن و سال که تحصیلات آکادمیک عمیقی هم نداشت اجرا کند و رضاخان نیروی اصلی و نظامی کودتا نخست سردار سپه و سپس وزیر جنگ شد. رجال منتقد با سازش با رضاخان سیدضیا را سرنگون و قوام‌السلطنه را از زندان راهی مسند نخست‌وزیری کردند. یعنی در کنار کسی نشسته که قبلاً کودتا و دولت روی‌کارآمده به‌دست او را غیرقانونی اعلام کرده بودند. احمدشاه هم که در غیاب مجلس فرمان نخست‌وزیری سیدضیا را داده بود و به‌دلیل مغایرت با قانون اساسی به آن معترض بودند، اکنون باز هم در غیاب مجلس فرمان عزل سیدضیا و نصب قوام را صادر کرد که با اعتراضی مواجه نشد. درواقع پیوستن رضاخان به توطئه رجال، آسوده‌شدن او از احساس ریاست سیدضیا بود که او را برگزیده و به وزارت رسانده بود. رجال به نوبه خود کوشیده بودند با کمک رضاخان رئیس او را برکنار کنند تا سپس فکری به حال او کنند.

از رفتارهای رضاخان مشخص بود که از همان آغاز افکار بلندپروازانه‌تری در سر داشت. او نظم و امنیت در کشور برقرار کرد که رجال و مدیران حرفه‌ای با خیال راحت بتوانند برنامه‌های اداری و سیاسی دولت را در سراسر کشور اجرا کنند و کشور دارای روال و دولت دارای حاکمیت واقعی شد. این امر حساب رضاخان را از تغییرات دولت جدا کرد تا آنکه خودش نخست‌وزیر شد و نوبت به مرحله دوم برنامه او رسید، یعنی خارج‌کردن محترمانه احمدشاه از کشور. در زمانی که دولتیان با خیال راحت مدیریت می‌کردند، رضاخان نیز با خیال راحت به توسعه نفوذ شخصی خود در میان نیروهای مسلح مشغول بود. زمانی که احمدشاه در خارج بود رضاخان قدم‌به‌قدم از اختیارات شاه نایب‌السلطنه، یعنی ولیعهد محمدحسن میرزا می‌کاست. رضاخان در گرفتن مقام فرماندهی کل قوا از مشورت شورایی استفاده کرد شامل تقی‌زاده و مصدق و علا و یکی، دو نفر دیگر بود که تأیید کردند مانند نمایان‌بودن توشیح قوانین و صدور احکام قضائی به نام نامی اعلیحضرت … فرماندهی کل قوا مندرج در قانون اساسی نیز نمادین است. پس از تفویض فرماندهی کل قوا از‌سوی مجلس «به شخص آقای سردار سپه، آن شورا دیگر به‌هیچ‌وجه تشکیل نشد! رضاخان که یک‌بار با کمک رضاخان سیدضیا را برکنار کرده بودند، این‌بار کوشیدند با کمک احمدشاه او را برکنار کنند. به احمدشاه گزارش

دادند که رضاخان درصدد برانداختن سلطنت اوست و فرمان عزل او را گرفتند. رضاخان به‌سادگی آن فرمان را پذیرفت و به باغچه‌اش در بومهن رفت. رجال که می‌کوشیدند دولتی تشکیل دهند، دریافتند که نیروهای مسلح را مطلقاً در اختیار ندارند. سپس دسته‌جمعی به بومهن رفتند و او را با احترام به تهران بازگرداندند. اما بدیهی است که این رضاخان دیگر رضاخان دیروز نبود!

رضاخان از آن پس درصدد برآمد که رجال گذشته را به‌تدریج برکنار کند و افراد دیگری را با وابستگی‌های قاجاری کمتر از میان تحصیلکردگان جوان‌تر برگزیند. این‌گونه بود که به فکر جمهوریت افتاد. طرفداران قاجار با شاید بتوان گفت مخالفان رضاخان که نگران قدرت‌مداری او بودند با جمهوریت مخالفت کردند. رضاخان در مجلس چهارم که مصدق و علا و تقی‌زاده و سیار از اعضای آن بودند، با فراهم‌کردن زمینه قبلی در میان نمایندگان موضوع پایان‌دادن به سلطنت قاجار را مطرح کرد. در میان نمایندگان مصدق، نواده عباس‌میرزا و خواهرزاده فرمانفرما، در دربار تبریز که خاله‌اش همسر مظفرالدین‌میرزا بود بیش از همه علائق و وابستگی قاجاری داشت و به‌نوبه خود نگران خودکامگی رضاخان نیز بود؛ هم با برچیدن بساط قاجار و حکومت موقت به ریاست رضاخان پهلوی مخالف بود و هم در مرحله بعدی با اصلاح قانون اساسی و نصب رضاخان به سلطنت به‌شدت مخالفت کرد. مصدق و دوستانش تغییر قانون اساسی را برخلاف قانون اساسی می‌دانستند، زیرا در یکی از اصول غیرقابل تغییر آن سلطنت قاجار تا ابد در دودمان قاجار تضمین شده بود؛ بنابراین با سلطنت رضاخان به‌شدت مخالفت و آن اقدام را برخلاف قانون اساسی اعلام کرد. مصدق ضمن تجلیل از اقدامات رضاخان در برقرار نظم و اجرای برنامه‌های دولت، گفت که چنین شخصیتی در مقام مسئول نخست‌وزیری بهتر می‌تواند به کشور خدمت کند تا در مقام غیرمسئول سلطنت. مصدق که نگران دیکتاتوری رضاخان بود، باهوش‌تر از آن بود که نداند رضاخان که یک‌بار با سعایت همین رجال از نخست‌وزیری برکنار شده بود، گول چنین وعده‌هایی را در مقامی موقت نخواهد خورد؛ خاصه آنکه در قانون اساسی و متمم قانون اساسی اصول اشاره‌ای به مقام نخست‌وزیری یا ریاست وزرایی نشده بود؛ با همین دلیل مصدق پس از سخنرانی برای رای‌گیری در مجلس نماند. رضاخان تبدیل به رضاشاه شد. از همکاری تیمی از فریختگان مانند تیمورتاش و داور و نصرت‌الدوله و حکمت و میرزا جوادخان عامری و حسایی و برجسته‌تر از همه دکا،الملک فروغی برخوردار بود. نخست‌وزیری که با آغاز کرد و سخنرانی تبریک آغاز سلطنت او با اندرزهایی درباره عدالت و احترام به‌اصول مشروطه همراه بود.

در میانه راه نیز دکا،الملک رهبری برنامه‌های اصلاحی و عمرانی را بر عهده داشت. از سال۱۹۱۴ که با طولانی‌شدن دوران قدرت، دوران افول اخلاقی و خوی استبداد در او آشکار یا تشدید شد و با پیداشدن هیتلر در آلمان و نفرت رضاشاه از هر دو قدرت مطرح روس و انگلیس موجب گرایش او به سیاست‌های هیتلر شد، تیم اصلاح‌طلب خود را متلاشی کرد. متین دفتری، جوان جرم‌ناوفیل را به معاونت وزارت دادگستری گمارد که بعداً وزیر دادگستری و نخست‌وزیر شد. در این دوره دکتر شاخت، رئیس بانک مرکزی و سپس وزیر اقتصاد هیتلر در برنامه‌ریزی اقتصادی و عمرانی به او کمک می‌کرد. در آن دوره کوتاه نوعی مدارا با دکتر مصدق داشت که بر تغییر رای نسبت به متین دفتری که داماد مصدق بود، در چهارم تیر۱۳۱۹ نخست‌وزیر برکنار و زندانی شد و دکتر مصدق نیز فرادی آن روز به بیرجند تبعید شد و سپس در احمدآباد در حصر قرار گرفت. از یادگار آن دوران می‌توان به دعوت دوباره در ماه‌های بحران اقتصادی پایانی حکومت مصدق اشاره کرد که به یاد برنامه‌های موفق دکتر شاخت، بار دیگر از او برای برنامه‌ریزی اقتصادی ایران دعوت کرد تا شاید برنامه اول تنظیمی سازمان برنام‌ه آن روز را اصلاح کند، غافل از اینکه دکتر شاخت بعد از محاکمه نوربزرگ با دکتر شاخت زمان اقتدار در دولت آلمان نازی فرق داشت. برنامه دکتر شاخت برنامه‌های دریافت شد که در حکم نوشادروی پس از مرگ سهراب بود.

**شورای نگهبان احتمال جعلی بودن مدرک تحصیلی یکی از منتخبان مجلس یازدهم را بررسی می‌کند**

## حاشیه قبل از متن



مجلس

نوربزرگ

احمدشاه

ایران

حوزه برگزار می‌شود. درحالی‌که سرنوشت ۱۱ حوزه دیگر نیز در دور دوم مشخص خواهد شد. انتخابات دور دوم مجلس یازدهم قرار بود فروردین ۹۸ برگزار شود اما شیوع ویروس کرونا آن را به اواخر شهریور موکول کرد. اما به گفته معاون سیاسی استاندار مرکزی «چنانچه وزارت کشور به دلیل پیشگیری از بیماری کرونا به این نتیجه رسید که برگزاری دور دوم انتخابات مجلس امکان شیوع این بیماری را افزایش می‌دهد، دور دوم انتخابات با شرط اینکه شورای نگهبان بپذیرد، برگزار نخواهد شد و به انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس در سال ۱۴۰۰ موکول خواهد شد.»

موضوع جعل مدرک در میان مسئولان جدید نیست. جنجالی‌ترین آن هم به دولت محمود احمدی‌نژاد بازمی‌گردد. رئیس دولت نهم پس از برکناری مصطفی پورمحمدی، علی‌کردان را به‌عنوان وزیر کشور به مجلس معرفی کرد. مجلس نیز به کردان رای اعتماد داد اما زرمه‌های جعلی‌بودن مدرک او در همان جلسه از سوی علی‌مطهری، نماینده مجلس هشتم مطرح شد. کردان ادعا کرده بود که مدرک دکترای افتخاری حقوق اساسی از دانشگاه آکسفورد داشته است، اما وقتی سایت خبری «الف» از دانشگاه آکسفورد دراین‌باره استعلام کرد، این دانشگاه تأکید کرده بود که کردان هیچ مدرکی از این دانشگاه اخذ نکرده است. چندی بعد رئیس وقت دانشگاه آزاد نیز اعلام کرد که کردان از این دانشگاه لیسانس و فوق‌لیسانس نگرفته است. آن هم درحالی‌که او سال‌ها به‌عنوان استاد در دانشکده حقوق مشغول تدریس سود. پس از این با وجود تلاش‌های دولت احمدی‌نژاد و متهم‌کردن رسانه‌ها به اتهام و شایعه‌پراکنی، کردان تنها سه ماه وزیر کشور ماند و مجلس رای اعتمادش را از او پس گرفت. این اتفاق در ایران بازتاب بین‌المللی زیادی هم داشت. علی‌کردان یک سال بعد از برکناری در آژرمه ۸۸ در ۵۱ سالگی درگذشت.

<span><b>الو شرق</b></span>
-----------------------------

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک، ۰۰۰۴۶۹۹

● **موتورسیکلت‌های بدون پلاک!** عده‌ای از موتورسیکلت‌رانان در شهرستان پرندک؛ زندیبه استان مرکزی با موتورسیکلت‌های بدون پلاک رانندگی می‌کنند و در صورت تخلف قابل شناسایی نیستند.

**یک مخاطب**

سال‌هاست که مردم و بیماران از گرانی بستری‌شدن در بیمارستان‌های خصوصی می‌نالند، ولی دولت و مسئولان رسیدگی نمی‌کنند! چرا بیماران بیچاره که بیمه تکمیلی هم نیستند باید برای یک عمل تنگی کانال نخاعی ستون فقرات، مبالغ هنگفتی حدود ۴۰ میلیون تومان پول بدهند! چرا نظارت کارشناسی و حرفه‌ای، بدون دنرظرقستن اسم‌ورسم بعضی از پزشکان در این شرایط سخت و دشوار زندگی مردم عزیز کشورمان نمی‌کنند!؟

**یک مخاطب**

● **واقعا آن کسانی که برای جبران ضروریان بی‌کارشدن و خسارات ناشی از دو ماه بی‌کاری و خانه‌نشینی و قرنطینه خانگی‌بودن به دستور آنها و عدم کسب درآمد و گران‌شدن همه‌چیز حالا می‌خواهند یک وام یک‌میلیونی دوساله به ره خانواده بدهند آن را با آب‌وتاب اعلام می‌کنند.** البته این در حالی است که با این هزینه‌های سنگین زندگی این مبلغ جواب مخارج یک هفته آنها را هم نمی‌دهد و تازه می‌خواهند به‌تدریج آن را پس بگیرند! چه فکری کرده‌اند؟ آیا واقعا با آن امکانات بسیار زیاد و مرفه‌بودن خودشان به مشکلات معیشتی مردم فکر می‌کنند؟ چرا مسئولان آن‌طور که باید، به فکر مردم و هم‌وطنان عزیزمان نیستند!؟

**ادامه از صفحه اول**

### گزارش پرحاشیه دیوان محاسبات

و آیا حتی اگر خطایی در هر حوزه کشف شد، فقط دولت به‌عنوان قسوه مجریه باید پاسخ‌گو باشد؟! این موضوعی بود که به‌دنبال رسانه‌های‌شدن پرورنده حقوق‌های نجومی و هجمه شدید رسانه‌ای منتقدان به دولت نیز به آن توجه شد. دولت تلاش کرد بخش مهم پرداختی‌های نجومی را بازگرداند و گزارش‌های مکرر در این زمینه، هم به نهادهای ناظر و هم به مردم داده شد. اما درباره عملکرد سایر قوا نه انتقادی مطرح شد و نه گزارش در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت، ازاین‌رو به نظر می‌رسد استفاده از اهرم‌های نظارتی برای اعمال فشار به رقبای سیاسی، به یک سنت رایج در جامعه تبدیل شده، و به‌اصطلاح قیح آن از بین رفته است. این امر را می‌توان ظلم بزرگی در حق جامعه دانست، زیرا با این روال کارآمدی شیوه‌های نظارت و فرصت‌های ارزیابی از بین رفته و می‌رود. گزارش تفریح بودجه و جنجال رسانه‌ای ناشی از آن بهترین شاهد بر این مدعاست، زیرا به‌جای اینکه با انتشار گزارش فرصتی برای بررسی عملکرد دستگاه‌ها ایجاد شود، بهانه‌ای برای فعالان سیاسی و سخنوران فراهم شد که با عبارت دست‌ساز «دلارهای گمشده» به دولت و مردمی که به آن رای دادند، بتازند و انتقام برخورد منتقدان با دولت آقای احمدی‌نژاد را درباره ارزش‌های آن بی‌خیر است، بگیرند.

به بیان دیگر برای کسانی که مدعی‌گم‌شدن ۴۰۸میلیارد دلار در سال ۹۷ شدند، آنچه مهم است، اصلاح امور کشور و جلوگیری از گم‌شدن منابع عمومی نیست، بلکه فقط قصد دارند با گروگان‌گرفتن آینده کشور، از عملکرد گذشته خود دفاع کنند، زیرا این شلوع‌گذاری رسانه‌ای حداقل منجر به این نتیجه ناخواسته شده که فرصت ارزیابی منصفانه و آسیب‌شناسانه عملکرد مالی دولت و صدالیهت نهادهای نااشی از آن بهترین شاهد بر این منابع عمومی از دست رفت و تحت‌الشعاع جنجال سیاسی قرار گرفت.

نکته جالب دیگر در این جنجال رسانه‌ای، واکنش آقای سیدمصطفی میرسلیم، نامزد ناکام انتخابات ریاست‌جمهوری بود که با این عبارت، رقیب پیروز خود را تواخت: «آن را حساب پاک است، از محاسبه چه جای است؛ به‌جای تکذیب شتابزده اجازه دهیم دادگاه درباره محتوای گزارش نظارتی حکم صادر کند.»
اما باید از آقای میرسلیم پرسید آیا حاضرند این حکم کلی و درست را درباره سایر حوزه‌ها و موضوعات مطرح‌شده و مورد توجه جامعه نیز بپذیرند یا فقط درباره گزارش تفریح بودجه آن‌هم در صورتی‌که دولت دست جناح سیاسی رقیب باشد، تجویز می‌فرمایند.

بررسی بی‌طرفانه پرورنده گزارش تفریح به‌خوبی این واقعیت تلخ و دردناک را فاش می‌کند که بی‌اعتنایی به آداب و قوانین رقابت سیاسی و بی‌وجهی به منافع ملی و اجتماعی هزینه‌های کزاف‌های را به کشور وارد کرده و می‌کند. منابع عمومی کشور را می‌بلعد، فرصت‌های سالم نقد و ارزیابی عملکرد نهادهای عمومی و امکان اصلاح شیوه‌های اجرایی را از بین می‌برد و به اقتصاد کشور اجازه نمی‌دهد تن نحیف و رنجور خود را از زیر سایه سنگین و سهمگین سیاست بیرون بکشد.